

## بیمه از نظر حقوق مدنی

### مبحث پنجم خطر

« ۱۸ »

بطوریکه سابقاً گفته شد عنصر اساسی ایجاد بیمه ترس از خطر احتمالی است. دانیل دانزن میگوید :

« همینطور که معامله بیع فرع مالکیت است بیمه نیز فرع برخطر

میباشد . »

وقوع خطر شرط انجام تعهد بیمه گر است و این اصطلاح را نباید در مورد بیمه عمر در حال حیات بمعنای حقیقی خود دانست و یا اساساً نباید استعمال کرد زیرا در این قسم بیمه انجام تعهد بیمه گر منوط بعدم مرگ بیمه شده است.

بدیهی است که بقاء عمر یکنفر را نمیتوان خطر نامید مگر اینکه بیمه گر این امر را برای خود خطری فرض کند ولی همیشه خطر از لحاظ بیمه گذار منطقی است و اساساً هم بیمه گذاریا بیمه شده وقتی مبادرت بانعقاد بیمه میکند که خطری را متوجه خود داند. واژه خطر یا «RISQUE» در اصطلاح بیمه بمعنای حادثه ای است که عقد مزبور در مقابل وقوع آن حادثه منعقد میشود و گاهی معنای موضوع بیمه را میدهد و این واژه تقریباً بین المللی شده است خلاصه هیچ معامله بیمه ای برقرار نمیشود مگر اینکه خطری وجود داشته باشد و علاوه بر اینکه خطر باید وجود داشته باشد برای زمان بعد از قرارداد باشد.

یعنی بیمه فقط شامل خطرات آتی است و بایستی در یکی از لحظات آینده موضوع بیمه در معرض خطری که عقد بمناسبت آن منعقد شده است واقع گردد. از مطالب فوق دو قاعده که هر یک را اصلی میتوان دانست استنتاج میشود :

- ۱ - وجود احتمالی خطر برای بعد از عقد.
- ۲ - امکان وقوع موضوع بیمه در معرض خطری که عقد بمناسبت آن منعقد گردیده است.

در مورد بیمه های حمل و نقل هر گاه بیمه گذار اختیاراً یا اجباراً از حمل و نقل کالا یا کشتی خود صرف نظر نماید بیمه باطل میگردد زیرا مال در معرض خطری که عقد برای آن منعقد شده است واقع نمیگردد. این رویه را قانون تجارت فرانسه در ماده ۳۴۹ قبول کرده است ولی قانون بیمه ایران در این مورد نیز ساکت است.

بنابراین در چنین موردی چنانکه ماده ۱۸ قانون بیمه ایران در موضوع بطلان

### بیمه از نظر حقوق مدنی

معین میکند بیمه گر نمیتواند حق بیمه را مطالبه کند و فقط عشر مبلغ مزبور را که مطابق قانون فرانسه نیم درصد آنست بیمه گر بعنوان خسارت با حق امضاء میتواند مطالبه نماید. ماده ۳۴۹ قانون تجارت فرانسه اتخاذ این رویه را درموردیکه بیمه گذار اجباراً بر اثر فورس ماژور از حمل و نقل جلوگیری کرده است منطقی است و هرگاه از روی اختیار مانع حمل و نقل شده باشد چندان منطقی بنظر نمیرسد.

پس بیمه کردن مال درمقابل خطری که اساساً بآن متوجه نخواهد شد و رابطه‌ای بین آن دو نیست باطل است مانند اینکه کسی طلب خود را درمقابل خطر غرق بیمه دهد و همچنین باید خطر موجد بیمه برای بعد از عقد باشد یعنی اگر بیمه برای خطری که قبلاً اتفاق افتاده منعقد شود بدیهی است که بیمه باطل خواهد بود.

مثلاً اگر بیمه گذار خانه سوخته یا کشتی غرق شده خود را در مقابل حریق غرق بیمه دهد این معامله باطل است و در این مورد ماده ۱۸ قانون بیمه چنین مقرر میدارد:

« هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه بعمل آمده قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرارداد بیمه باطل و بی اثر خواهد بود. در اینصورت اگر بیمه گر وجهی از بیمه گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مزبور را بعنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه گذار مسترد دارد. »

اجرای این ماده ممکن است بنتیجه نامطلوبی منتهی شود زیرا اختلاف چند ساعت اعتبار یک قرارداد را که طرفین از روی حسن نیت انجام داده‌اند از بین میبرد:

مثلاً تاجری کالای خود را که در راه دارد نزد بیمه گر با حسن نیت به بیمه میدهد و حال آنکه یک ساعت قبل از انعقاد قرارداد آن مال غرق شده است بدون اینکه تاجر مزبور از این حادثه اطلاع یافته باشد و یا اینکه مثلاً مال مزبور به بندر رسیده و خطر احتمالی موضوعاً منتفی گردیده باشد.

در این مورد اینطور حکم کرده‌اند که هرگاه یک چنین خطر فرضی را بیمه گر و بیمه گذار مانند یک خطر حقیقی منظور داشته باشند عقد مزبور صحیح خواهد بود و بدیهی است که این رویه باید استثنائی بر حکم کلی مندرج در ماده ۱۸ و بموجب نص خاصی برقرار گردد.

ولی از آنجا که ممکن است بر اثر مجاز شمردن این نوع خطرات فرضی معامله بطریق مذکور مورد سوءاستفاده اشخاص واقع گردد لذا اینطور حکم کرده‌اند که:

باید عدم سوءنیت ثابت گردد بعبارت اخیری مقنن خارجی سوءنیت طرف منتفع را فرض دانسته و باید خلاف آنرا ثابت کند.

از آنجا که اثبات عدم سوءنیت کار مشکلی است و در غالب اوقات غیر ممکن میباشد قانون مدنی فرانسه برای رسیدن اطلاع بطرفین از زمان وقوع حادثه مدتی رانسبت بمسافت بین طرفین و مال بیمه شده قائل شده است و فرض میکند که برای رسیدن خبری در هفت کیلومتر و نیم یک ساعت وقت لازم است.

پس بموجب این فرض اگر مدت معینه جهت رسیدن خبر منقضی شده باشد گرچه

## بیمه از نظر حقوق مدنی

بیمه گذار از حدوث خطری اطلاع باشد قانون او را مطلع تلقی کرده و قراردادی را که منعقد کرده باطل دانسته است.

اتخاذ این رویه برای احتراز از نتایج بدی است که ممکن است از بطلان عقد ناشی شود چه در صورت ثبوت سوء نیت :

اولاً - کسی که سوء نیت داشته باشد غرامتی پرداختد.

ثانیاً - در تحت عنوان کلاهبرداری تعقیب جزائی خواهد شد.

قانون بیمه یک چنین مورد استثنائی را قبول نکرده و حال آنکه بهتر بود این فرض را پیش بینی و حکم آنرا معین مینمود و بعلاوه ماده ۱۸ بطور کلی این نوع بیمه را باطل دانسته بطوری که نمیتوان بعضی موارد را مضمول آن ندانست.

آنچه بنظر نگارنده میرسد اینست که حتی الامکان مراتب فوق الذکر را باید در نظر داشت مثلاً اگر در بیمه نامه ساعت انعقاد عقد معین نشده باشد و اتفاقاً خطر مورد بیمه نیز در همان روز بوقوع رسیده باشد و نتوان منجزاً تقدم یکی را بردیگری بنا بر ساعت معین نمود و از طرف دیگر حسن نیت بیمه گذار هم ثابت باشد باید چنین حکم کرد که حادثه بعد از عقد واقع شده است.

در این فرض قانون فرانسه چنین حکم میکند که :

هر گاه قرارداد بیمه بتوسط وکیل یا حق العمل کار از طرف بیمه گذار امضاء شده باشد اگر مال بیمه شده قبل از انعقاد عقد دچار حادثه گردیده باشد باید بیمه گذار در موقع دادن وکالت و وکیل یا نماینده در موقع امضاء قرارداد از آن حادثه اطلاع نداشته باشند. راجع باین قسمت در بیمه نامه ها اینطور مقرر میگردد که هر گاه در فاصله بین امضاء و وکالتنامه و انعقاد قرارداد خطر واقع شود موکل باید فوراً بوسیله تلگراف بوکیل خود اطلاع و دستور دهد که از امضاء قرارداد خودداری کند ولی هر گاه این دستور قبل از امضاء قرارداد بوکیل متعاقب نرسید عقد مزبور مطابق رویه قضائی تمیز فرانسه معتبر خواهد بود.

## اقسام خطر

خطرات از لحاظ امکان وقوع و علت بدو دسته تقسیم میگردند :

### قسمت یکم - تقسیم خطر باعتبار مکان

خطرات از لحاظ مکان تقسیم میشود بخطر ارضی و خطرات بحری :

مقصود از خطرات بحری فقط آنهایی نیست که از دریا ناشی شده باشد مثل طوفان و غرق و غیره بلکه غرض از آن تمام حوادثی است که ممکن است جزء خطرات دریائی محسوب شده و باید بموجب بیمه بحری پوشش گردد :

مثلاً هر گاه کشتی در ضمن مسافرت خراب شود و بخواهند آنرا تعمیر کنند و محمولات آنرا موقتاً از کشتی بیرون آورده و کشتی را بخشکی کشیده باشند در این موقع اگر محمول آن معیوب یا خراب شود یا بواسطه حادثه ای در روی زمین فاسد گردد باید گفت خطری بحری موجب خسارت بوده است و بیمه بحری مسئول این خسارت خواهد بود.

## بیمه از نظر حقوق مدنی

هر گاه کالائی باید متناوباً از دریا و خشکی عبور کند آنرا در مقابل خطرات خشکی و دریا بموجب یک عقد بیمه میکنند این قرارداد مطیع مقررات قانون بیمه ارضی یا بحری خواهد بود.

بنابر اینکه قسمت خشکی یا دریائی کدام طویلتر و یا خطرات متصوره در کدام بک بیشتر اهمیت داشته باشد. چون در قانون بیمه ایران بیمه بحری از بیمه ارضی تفکیک نشده است باید همگی را مطیع یک مقررات دانست مگر در مواردی که احکام خاص بر آنها تعلق میگیرد و قانون تکلیف جداگانه‌ای معین کرده باشد :

### قسمت دوم - تقسیم خطر از لحاظ علت

بطور کلی خطرات ممکن است از علل زیادی ناشی شوند ولی علل مهمه خطرات را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند :

- ۱ - قضا و قدر - حوادث فوق العاده « فورس ماژور »
- ۲ - عیب ذاتی موضوع بیمه
- ۳ - تقصیر نمایندگان بیمه گذار
- ۴ - تقصیر بیمه گذار
- ۵ - علل مختلط

### فقره یکم - حوادث فوق العاده و اتفاقات قضائی :

خطراتی که علت آنها حوادث فوق العاده (فورس ماژور) و اتفاقات قضائی است موضوع اساسی و اصلی بیمه‌ها میباشد و این نکته بقدری واضح است که مقنن خود را محتاج بذکر آن ندانسته و از طرف دیگر هم نمیشود آنها را شماره کرد ولی اهم آنها عبارتند از حریق ، سیل ، سن زدگی حاصل ، مرگ حیوانات ، غرق کشتی و کالا افتادن و انداختن مال در دریا ، دزدی و غارت و امثال آنها.

بدیهی است بعضی از این خطرات ممکن است معلول بعلة دیگری غیر از حادثه فوق العاده یا قضا باشد :

مثل اینکه از روی خبط کالائی از کشتی بدریا ریخته شود اما اگر همین عمل برای جلوگیری از واقعه خطرناکتری انجام شده باشد علت آن را حادثه فوق العاده باید دانست.

بنا بر این در غالب اوقات تشخیص علت خطر مشکل است و اینکه بیمه گر یا بیمه گذار کدام یک باید این امر را ثابت کند مبحث قابل تردیدی ایجاد میکند زیرا از طرفی میتوان گفت که بیمه گری که تعهد جبران فلان خسارت را کرده است در صورت وقوع حادثه باید خسارت ناشیه را جبران کند و اگر بخواهد عدم مسئولیت خود را در مقابل بیمه گذار اثبات نماید و مثلاً بگوید که بیمه گذار خود علت حدوث خطر بوده و بنابراین مطابق ماده ۱۴ مسئول خسارت نمیشود باید این امر را بثبوت برساند.

از طرف دیگر میتوان ادعا کرد بیمه گذاری که حق مطالبه جبران خسارت ناشی از فلان عمل را دارد باید اولاً خسارت و ثانیاً علت آنرا اثبات نماید تا مستحق جبران خسارت گردد.

### بیمه از نظر حقوق مدنی

آنچه بنظر نگارنده میرسد اینستکه نفس حدوث خطرا موجب مسئولیت بیمه گر بدانیم و بیمه گر هر گاه ادعائی دارد باید آنرا بشبوت برساند.

مثلاً بمحض فوت بیمه شده بیمه گر باید تعهد خودرا انجام دهد حال اگر ادعائی دارد که متوفای مزبور انتحار کرده است و بنابراین نبایستی وجه مقرر را تأدیه کند باید این امر را ثابت نماید.

معمولاً بیمه گران بعضی خطرات خیلی نادر و شانرا از موضوع تعهد خودخارج میکنند و اگر بیمه گذار بخواهد درمقابل آن خطرها نیز مال خودرا به بیمه دهد باید حق بیمه بیشتری بپردازند.

در غالب قوانین خسارات ناشی از خطر جنگ جزء مقررات بیمه بحری یا ارضی محسوب نشده است ماده ۲۸ قانون بیمه ایران نیز مقرر میدارد :

**« بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از جنگ و شورش نخواهد بود**

**مگر اینکه خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد . »**

معمولاً بیمه نامه ها نیز خطرات ناشیه از جنگ داخلی یا خارجی و شورش و اعتصاب و هیجان ملی و توقیف مصادره را از موضوع تعهد خود استثناء میکند ولی خطرات دزدی دریائی و راهزنی را بعهد بیمه گر محول میکند.

در اجراء ماده ۲۸ ممکن است گرفتار مشکلاتی بشویم و تشخیص خطرات جنگ از خطرات معمولی همیشه کار آسان و امر سهل نیست.

برای اینکه تاحدی از این اشکال جلوگیری شود اینطور تصمیم گرفته اند که هر گاه عدم امنیت عمومی که نتیجه جنگ و بر اثر آن میباشد موجب تشدید خطرات گردد این خطرات خطر جنگ محسوب نمیگردد.

مثلاً در موضوع بیمه بحری خاموش شدن چراغ برج ساحلی و یا از بین رفتن اسبابهائی که در دریا برای نشان دادن مانع بکشتی ها میباشد و یا از بین رفتن علامات خطری که در دریا برای کشتی ها گذارده میشود هر گاه موجب تشدید خطر گردد نمیتوان این خطرا معلول و مستند بجنگ و شورش دانست.

قسمت اخیر ماده ۲۸ میگوید :

**« . . . . مگر اینکه خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد . »** یعنی

بیمه گر خودرا درمقابل خطرات جنگ نیز مسئول جبران خسارت کرده باشد که در اینصورت باید هر گاه خسارتی از جنگ ناشی گردد جبران نماید.

عادتاً بیمه گران در زمان جنگ تعرفه حق بیمه را ترقی میدهند و البته با این عمل آنها خطرات جنگ را بعهده میگیرند و خود این عمل کاشف از اینستکه بیمه گر مسئولیت بیشتری را تعهد کرده است.

مثلاً هر گاه تصادمی بین کشتی تجارتنی و رزم ناوی که مأموریت جنگی را انجام میدهد و در هنگام شب بدون چراغ حرکت میکند پیش آید خطر خطر

### بیمه از نظر حقوق مدنی

جنگک ملحوظ میگردد و بیمه گر هر گاه خسارات ناشیه از جنگک را نیز تعهد کرده باشد باید خسارت بیمه گذار مزبور را جبران نماید !  
غالباً ممکن است که خطرات جنگک تا مدتی پس از خاتمه محاربه وجود داشته باشد.

مثلاً بمبیکه در اثر آذر افشانی در جاده‌ای بزمین افتاده و نترکیده باشد و بعداً در حین عبور اتومبیل منفجر شود و همچنین اغلب اوقات مین‌ها «Mines» و موشک‌های تحت البحری در دریا متفرق شده و ممکن است سالها در دریا بمانند و خطری از جنگک گذشته را جهت کشتی‌ها ایجاد کند.

حال اگر در زمان صلح چنین خطری متوجه موضوع بیمه شود و بیمه گر نیز خسارات ناشیه از جنگک را بعهدہ نگرفته باشد گر چه در این زمان جنگی وجود نداشته است معذلک خطرات مزبور باید از خطر اتیکه ماده ۲۸ پیش‌بینی کرده محسوب شود و بیمه گرا مسئول آن ندانست.

### فقره دوم - عیب ذاتی موضوع بیمه

مقصود از عیب ذاتی موضوع بیمه صفت یا ظرافت آن مال است که این امر علت خطر می‌گردد مثل بیمه حیوانات در مقابل مرگ و بیمه بعضی مواد شیمیائی در مقابل فساد و کرم زدگی ماکولات و غیره و در تمام قوانین چنین مقرر گردیده است که :  
در مقابل خطرات ناشیه از عیب ذاتی ممکن است مال را بیمه نمود ولی در صورتیکه طرفین آنرا در بیمه نامه ذکر نکرده باشند خارج از حدود تعهد بیمه گر خواهد بود.  
ماده ۲۰ قانون بیمه نیز میگوید :

« بیمه گر مسئول خساراتی که از عیب ذاتی مال ایجاد میشود نیست مگر اینکه در بیمه نامه شرط خلافی شده باشد . »

علت اتخاذ این تصمیم اینستکه اساساً عقد بیمه در مقابل خطرات کاملاً احتمالی منعقد میگردد و حال اینکه عیب ذاتی موضوع بیمه یک علت نسبتاً محقق وقوع خطر می‌باشد .

در اینجا باید متذکر بود که جهت خطرات ناشی از عیب ذاتی نبایستی یک معنای قابل توسعه‌ای قائل شد .

مثلاً هر گاه اشیاء متعددی در معرض یک خطر واقع شوند و تمام آنها نیز بیمه شده باشد ولی نه در مقابل خطر ناشی از عیب ذاتی مثل اینکه یک کشتی و محمولات آن موضوع بیمه در مقابل حریق و غرق باشد در این فرض ممکن است که عیب ذاتی یکی از موضوعات بیمه علت تلف سایر موضوعات گردد .

مثلاً ماده قابل انفجاری که بر اثر حرکت منفجر میگردد علت حریق کشتی و سایر محمولات آن بشود خسارت متوجه به اموال مزبور را نباید ناشی از عیب ذاتی موضوع بیمه دانسته و بیمه گر را مسئول آن بدانیم بلکه این خسارت را فقط نسبت بمالی

## بیمه از نظر حقوق مدنی

که علت خطر شده است باید ناشی از عیب ذاتی شناخت و برعکس هر گاه قسمتهای مختلفه موضوع بیمه با یکدیگر ارتباط و اتصال کامل داشته و عیب یکی سبب خرابی قسمتهای دیگر شود بیمه گر مسئول هیچ قسمت از آن نمیشود.

مثل ارتباط مال التجاره و منافع احتمالی آن که اگر منافع احتمالی را بتوان بیمه نمود و در موضوع بیمه عیب ذاتی وجود داشته باشد که علت فقدان آن گردد و نمیتوان بیمه گر را نسبت بمنافع احتمالی مسئول قرار داد.

### فقره سوم - تقصیر نمایندگان بیمه گذار

خسارات ناشیه از تقصیرات اشخاصیکه نماینده بیمه گذار هستند اصولاً قابل بیمه کردن میباشد زیرا هیچ مانعی بنظر نمیرسد که اشخاص بتوانند خود را در مقابل خساراتی که ناشی میشود از تقصیر کسانی که در خدمت آنها هستند بیمه نمایند ولی این نظر همیشه مقبول نبوده و با شرائطی محدود گردیده است چنانکه ماده ۱۴ قانون بیمه میگوید :

« بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود . »

در بیمه بحری و بیمه حمل و نقل اشخاص ذیل از طرف بیمه گذار دخالت در موضوع بیمه دارند : ناخدا ، عملجات کشتی ، راهنمای کشتی ، شوfer و راننده ماشین که این اشخاص بطور مستقیم از طرف مدیر حمل و نقل و بطور غیر مستقیم از طرف بیمه گذار دخالت میکنند که مطابق قانون ما ممکن نیست مالی را در مقابل این نوع خطرات بیمه نمود حتی در صورت تراضی طرفین زیرا قانون نماینده بیمه گذار را در حکم شخص او میداند و بطوریکه قریباً گفته خواهد شد این اصل مانند نظم عمومی ملحوظ میگردد و بعلاوه قانون مورد تراضی طرفین را پیش بینی و تجویز نکرده است .

این موضوع در بیمه های بحری کمال اهمیت را دارد و غالب علماء معتقدند که هر گاه خطر نتیجه سهو و اشتباه یا ناشی گری و فراموش کاری باشد باید خطر مزبور را جزء حوادث فوق العاده منظور کرد چه خیلی کمتر اتفاق می افتد که یک خطری بحری بدون بعضی فراموشکاریها یا ناشی گریهای کارکنان کشتی واقع گردد و میگویند اگر کمترین خطای اشخاص مزبور باعث عدم مسئولیت بیمه گر بشود در حقیقت مسئولیت او جز خیال واهی چیز دیگر نخواهد بود .

بموجب قانون تجارت فرانسه ( ماده ۳۵۳ ) فقط بیمه گر نسبت به خساراتی که از خیانت مدیر کشتی جهت متضرر نمودن مالک آن ناشی شده مسئول نمیشود ولی نسبت بسایر غلط کاریها و خبط های کارکنان کشتی مسئول شناخته شده است .

راجع باین قسمت در بیمه نامه های بیمه گران فرانسوی قید شده است که خطا - کاریهای مدیر کشتی بر عهده بیمه گر است مگر در مواردیکه خطای مزبور بر اثر قاچاق یا تقلب یا تفسیر یا خیانت باشد .

بدیهی است که اگر خطاهای اشخاص فوق الذکر بنا بر دستور بیمه گذار باشد بیمه گر مسئول نخواهد بود چه در این فرض مثل اینست که بیمه گذار شخصاً مال را تلف یا خراب کرده است .

بیمه از نظر حقوق مدنی

### فقره چهارم - تقصیر بیمه گذار

خسارت بیمه گذار هر گاه در نتیجه تقصیر عمدی او باشد نمیتواند مسئولیت بیمه گرا ایجاب نماید زیرا هیچکس نمیتواند خود را از نتایج خطاهای خود برهاند و اگر این امر جاز شمرده شود جواز مزبور بر خلاف نظم عمومی و مصالح اجتماعی میباشد. چه ممکن است که بیمه گذار عمداً در صدد ائتلاف موضوع بیمه برآید و نتیجتاً خساراتی متوجه ثروت جامعه شود و اغلب حوادثی که منجر به خسارت میگردد مانند حریق و غیره نتیجه اعمال انسان است و اگر خسارات ناشی از تقصیر بیمه گذار بتواند مسئولیت بیمه گرا ایجاب نماید از آنجا که حرص و طمع غالباً سایر احساسات و تعلقات را تحت الشعاع قرار میدهد و منطق عقل را کنار میگذارد ممکن است بعضی اشخاص بقصد جلب نفع شخصی حادثه‌ای را عمداً واقع سازند که بیشتر آنها مانند حریق سازی بوده و ثروت اجتماعی لطمه وارد میآورد.

چنانکه در آغاز شیوع بیمه حریق در مملکت فرانسه آمار حریق بیک نسبت غیر قابل تصویری بالا رفت و بدیهی است که این رویه تا چه اندازه برای هیئت جامعه مضر و خطرناک است.

بهمین جهت ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی وضع گردیده که طبق ماده مزبور کسانی که عمداً مرتکب این عمل میشدند محکوم باعدام بودند اگر قانون مزبور بواسطه سنگینی بار مجازات نتوانست عیناً دوام بیاورد و بعدها مجازات تخفیف یافت ولی اتخاذ یک چنین تصمیمی را مقنن لازم دیده بوده است و در نتیجه وضع این قانون و اصلاح آن تاحدی از حدوث خطر مزبور جلوگیری شد.

در بادی امر اتخاذ رویه فوق غیر منطق بنظر میرسد زیرا میتوان گفت منتهای مجازات بیمه گذار همین بس که از جبران خسارت محروم میگردد و تعیین مجازات جداگانه‌ای برای اینکه مال خود را از خطر انداخته است مخالف با اصل تسلیط: «المناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» میباشد بنا بر این وضع مجازات برای او مخالف اصل و دور از عدالت است.

ولی اگر دقت شود دیده خواهد شد که قبول این رویه برای حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی ضروری است و هر جا که نظم عمومی و منافع اجتماعی با اصل تسلیط اصطکاک پیدا کند بر آن حکومت کرده و اصل مزبور غیر قابل ترتیب اثر میگردد.

ماده ۱۴ قانون بیمه ما میگوید:

« بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان

او نخواهد بود ». این ماده نمیتواند از مجازات او جلوگیری نماید و هر چند که در قانون مجازات عمومی صریحاً بیمه گذاری که برای جبران خسارت یا جلب نفع مال خود را بخطر بیندازد پیش بینی و حکم مجازاتش تعیین نشده است ولی مطابق مواد ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۴ میتواند بیمه گذار مزبور را مجازات نمود چه ماده ۲۵۰ مقرر میدارد:

« هر کس عمداً عمارت یا کشتی یا کارخانه یا انبار و بطور کلی



بیمه از نظر حقوق مدنی

هر محل مسکون یا مستعد برای سکنی را آتش بزند جزای او حبس با اعمال شاقه از سه سال الی هفت سال است .  
و ماده ۲۵۱ نیز میگوید :

« هر کس عمارت یا کشتی یا کارخانه‌ای که مسکون نباشد یا انبار یا جنگلی را در جاهائیکه بر انداختن آنها قانوناً ممنوع است آتش بزند بحبس تأدیبی از ششماه تا سه سال محکوم میشود و اگر اشیاء مذکوره ملك او بوده یا بامر مالك این کار را کرده و باین واسطه عمداً بدیگری خسارت حرقی وارد آورده باشد محکوم به حبس تأدیبی از سه ماه الی یکسال خواهد بود .

ماده ۲۵۲ مشعر بر اینستکه :

« هر کس تیر یا چوب‌هایی را که برای بنا یا سوزانیدن همیا شده است آتش بزند از يك تا ششماه بحبس تأدیبی محکوم میشود . هر کسی وسائل نقلیه چرخ دار خالی یا حامل اشیاء منقوله را آتش بزند از سه ماه الی یکسال بحبس تأدیبی محکوم میشود . »

« هر گاه کسی خرمن یا حاصل دیگری را آتش بزند بحبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم میشود اگر اشیاء مزبور متعلق بخود مرتکب باشد و یا بامر مالك آتش بزند و باین واسطه عمداً بدیگری خسارت حرقی وارد آورد بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم میشود . »

و ماده ۲۵۴ نیز میگوید :

« هر کس اسباب و ادوات زراعت یا زاغه دواب یا کلبه دهقانی را خراب و ضایع کند یا بشکند بحبس تأدیبی از دو ماه تا یکسال و بتأدیه غرامت از ۵۰ الی ۱۰۰ تومان محکوم خواهد شد . »

بالاخره بطوریکه سابقاً هم گفته شد بیمه گذاری که برای جلب نفع عمداً خسارتی بموضوع بیمه و نتیجتاً به بیمه گر وارد آورده است طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی در تحت عنوان کلاهبرداری قابل تعقیب جزائی میباشد .

باری علاوه بر اینکه بیمه شامل این نوع خطرات نمیگردد قرارداد طرفین نیز نمیتواند بیمه گر را مسئول جبران چنین خسارتی بنماید زیرا :

اولاً - ماده ۱۴ قانون بیمه از مواد آمره میباشد و بطور مطلق است .

ثانیاً - باید این قاعده را همیشه در نظر داشت که هر وقت مشاهده شود که بیمه با عرض جلب نفع بیمه گذار آلوده شده است عقد مزبور مخالف اصل و اساس بیمه بوده و محکوم بطلانست .

## بیمه از نظر حقوق مدنی

گرچه حقوق دانان قرن ۱۸ از لحاظ رعایت احترام قراردادها میخواستند این قسمت را قبول کنند. ولی بطوریکه گفته شد چون شرط مزبور مخالف با نظم عمومی بوده مقبول واقع نگردید. معذک امروز علماء معتقدند که ممکن است خسارات ناشیه از تقصیرات غیر عمدی و غیر تقلبی بیمه گذار را بموجب قرارداد بعهدہ بیمه گر تحمیل نمود چنانکه قانون بیمه فرانسه در ماده ۱۲ میگوید بیمه گر را مسئول خسارات ناشی از قصور غیر عمدی بیمه گذار میداند و قسمت دوم ماده مزبور خسارات ناشی از تقصیر عمدی و تقلبی او را بعهدہ بیمه گر نمیگذارد.

### «دانیل دانژون» در کتاب خود میگوید:

هر گاه اشیاء متعددی که متعلق باشخاص مختلفی بوده و در معرض یک نوع خطر واقع شده باشند مانند کشتی تجارتي و محمولات آن ممکن است خسارتي ببعضی از آن اموال متوجه شود که بر اثر خطر ناشی از تقصیر مالک قسمت دیگر آن اموال بوده باشد. در اینصورت نباید حادثه مزبور را یک خطر قضائی و آسمانی دانست و همچنین نباید جبران خسارت را بر بیمه گر تحمیل کرد زیرا که این خطر ناشی شده است از عمل بیمه گذار. آنچه بنظر نگارنده در این فرض میرسد اینستکه باید قائل بتفکیک شد و بگوئیم راجع بخسارتي که بمرتکب خطر ایجاد شده است بیمه گر مسئول نمیشد ولی خسارتي را که به دیگران وارد آمده باید بیمه گر جبران نماید منتهای مراتب بیمه گر مزبور میتواند موجب خطر را تعقیب نموده و بنوبه خود جبران خسارت خویش را از او مطالبه نماید. زیرا هیچ علتی ندارد که اگر کسی خانه خود را عمداً آتش بزند و آتش مزبور بخانه همسایگان سرایت کرده آنها را متضرر نماید در صورتیکه آنها خانه خود را در مقابل حریق بیمه کرده باشند از حق مطالبه جبران خسارت محروم گردند.

### فقره پنجم - علل مختلط

گاهی اتفاق میافتد که دو علت خطر توأمأ در ایجاد حادثه ای دخالت دارند بدیهی است اگر دو علت جزء عللی باشند که خطر ناشی از آنها بعهدہ بیمه گر بوده یا نبوده تأثیری در ماهیت امر ندارد ولی اگر یکی از علتها جائز و دیگری مانع مسئولیت بیمه گر باشد قضیه چه صورت پیدا میکند.؟

در این فرض از دو حال خارج نخواه بود یا اینکه هر دو علت دفعتاً واقع میشوند یا برعکس یکی پس از دیگری ایجاد میشود.

### الف - ایجاد علل جائز و مانع در يك زمان

مثل اینکه بعض مواد بواسطه صفت طبیعی خود غلیان کند. فرض کنیم عیب ذاتی موضوع بیمه موجب مسئولیت بیمه گر نباشد و بر اثر رطوبت دریا خطر مزبور تشدید شود بفرص اینکه خسارت ناشی از رطوبت را بیمه گر تأمین کرده باشد حل قضیه از نظر قضائی اشکالی ندارد ولی در عمل بمشگلی بر میخوریم.

از نظر قضائی هر گاه علت خسارت علنی باشد که بعهدہ بیمه گر بوده مشارالیه مسئول میباشد یعنی انتساب خطر بهر یک از علل حکم جدا گانه پیدا میکند ولی در عمل

## بیمه از نظر حقوق مدنی

تشخیص علت و انتساب خطر بان کار آسانی نیست و ناچار نظر خبره باید جلب شود.

### ب. ایجاد علل جائز و مانع بطور تناوب

در چنین مورد فرض اینست که دو علت خطر یکی پس از دیگری ایجاد شده بطوریکه علت اول سبب علت دوم بوده است مثل اینکه اشیاء بیمه شده در نتیجه اعمال جنگی تلف شود و حال اینکه بیمه نامه خطر جنگ را از حدود تعهد بیمه گر خارج کرده است ولی این امر صرفاً نمیتوانسته است وقوع یابد مگر بواسطه یک حادثه معمولی که بیمه گر مسئول آن بوده است.

در این فرض یا در فرض عکس باید دید که خارج بودن یکی از علل از مورد تعهد بیمه گر علت دیگر را نیز از عهده او رفع میکند و نتیجه عدم مسئولیت او را ایجاب مینماید یا اینکه بر عکس مسئولیت بیمه گر نسبت به یکی از علل او را در مقابل علت دیگر نیز مسئول مینماید؟

مصادق این فرض راجع بکشتی ایریس « L'iris » پیش آمده است - توضیح آنکه کشتی تجارتی مزبور را در زمان جنگ کریمه « Crimée » دولت فرانسه اجاره کرده بود مالک کشتی آنرا نزد شرکت بیمه ای در مقابل خطرات معمولی و نزد دولت در مقابل خطرات جنگ به بیمه داده بود.

کشتی مزبور بر اثر طوفانی بسبب استپول رانده شد و در آنجا گلوله های توپ دولت روسیه آنرا نابود کرد مالک کشتی در مقابل محاکم قضائی بطرفیت شرکت بیمه گر و در محاکم اداری بطرفیت دولت اقامه دعوی نمود.

طرفیت دولت از این لحاظ بود که خطر جنگ آنرا گرفتار حریق نموده و بطرفیت بیمه گر اقامه دعوی کرده بود زیرا حادثه مزبور بر اثر یک خطر عادی (طوفان) بوده که دولت مسئولیت آنرا نداشته است.

هر چند که این کشتی در مقابل هر دو خطر بیمه شده بود ولی خسارت مالک از هیچ طرف جبران نگردید صرف نظر از رویه قضائی باید دید از نظر حقوقی آیا علتی که بلافاصله بعد از آن خطر ایجاد شده باید ملحوظ گردد یا علت اولی؟

عقیده معتبر علماء حقوق انگلیسی و امریکائی اینست که باید علتی که بلافاصله بعد از آن خطر واقع شده است مناط گردد تا از اشکالات لاینحل آسمان ریسمان پرهیز شود و علماء مزبور اصل علت فوری نه علت اولی را قبول کرده اند.

معذک خیلی منطقی و صحیح بنظر میرسد اگر بعلت اولی بر گردیم یعنی آنرا مناط قرار دهیم چنانکه این طریقه در مملکت آلمان در ممالک اسکاندیناوی قبول گردیده است زیرا که علت اولی علت العلل « Causa Causans » است چنانکه خود انگلیسها هم باین امر معترفند و این قضیه بقدری بدیهی است که همه کس آنرا عمل میکند بدون اینکه متوجه کار خود باشد.

مثلاً انداختن کالا بدریا بطور تحقیق یک حادثه فوق العاده است ( ماده ۳۵۰ قانون تجارت فرانسه ) با اینکه این امر بنا بر اراده ناخدا باشد زیرا ناخدا باین عمل ارادی

### بیمه از نظر حقوق مدنی

خود از وقوع یک حادثه خیلی خطرناکی جلوگیری کرده و با تقدیه مقداری از محمول کشتی بقیه محمول و کشتی را نجات داده است.

بنابراین باید همیشه علت اولی ملحوظ و مناط حکم واقع گردد. چیزی که باید در این مورد مراعات نمود اینست که بایستی بین علتی که بلافاصله پس از آن خطر ایجاد شده و علت اولی یک رابطه حقیقی علت و معلولی واقعی وجود داشته باشد و اگر این رابطه موجود نبود باید علت قبل از حادثه مناط حکم واقع شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی